

نگاه بیرون

یادداشت‌جان بولتون در بلومبرگ

ترامپ به پرچام جان تازه‌ای می‌دمد

● **دیپلماسی ایرانی:** رئیس‌جمهوری دونالد ترامپ با مطرح‌کردن درخواست «بازگشت تحریم‌ها» علیه ایران مطابق قطع‌نامه سال ۲۰۱۵ شورای امنیت به جف بایدن، نامزد دموکرات انتخابات ریاست‌جمهوری، لوپ بزرگی کرد. بایدن و نزدیکانش بارها از تعهد به بازگشت به توافق هسته‌ای ایران موسوم به پرچام که ترامپ در ماه می ۲۰۱۸ از آن خارج شد، سخن گفته‌اند. با این‌حال، ظاهرا این ترامپ است که بر پرچام تنفس مصنوعی دیپلماتیک می‌دهد تا جان تازه‌ای در آن بدمد.

کاخ سفید ۲۲۰ آگوست ادعا کرد که ایالات متحده تحت قطع‌نامه ۲۲۳۱ «هنوز» یکی از طرفین «پرچام» به شمار می‌رود و ازاین‌رو، حق درخواست بازگشت تحریم‌های شورای امنیت را دارد. البته زمانی که ترامپ از پرچام خارج شد، از وزارت امور خارجه خواست همه گام‌های لازم برای «متوقف‌کردن مشارکت ایالات متحده در توافق هسته‌ای» را بردارند. اگرچه برگشت ناگهانی از سیاست خارجی برای ترامپ یک امر عادی است، اما این تغییر رویکرد در قبال پرچام حتی برای ترامپ هم درخور توجه به شمار می‌رود و در صورت پیروزی مجدد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی برچا بگذارد؛ چراکه ترامپ اساسا در دولت دوم خود با محدودیت‌های سیاسی کمتری مواجه خواهد شد و کنایه ماجرا در این است که در صورت پیروزی بایدن در انتخابات ریاست‌جمهوری، این رویکرد جدید ترامپ می‌تواند برای او هم مفید باشد. دست‌کم در حال حاضر، ایالات متحده در سازمان ملل در تله‌ای خودساخته گرفتار شده است.

وکلا و وزارت امور خارجه ظاهرا این‌طور استدلال کرده‌اند که ایالات متحده که زمانی به عنوان «یک کشور عضو در پرچام» تعریف شده، هنوز هم می‌تواند برای هدف بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل از این تعریف استفاده کند. این مسئله نه‌تنها از نظر حقوقی اشتباه است و هرگز هدف تنظیم‌کنندگان توافق هسته‌ای نبوده، بلکه در صورت پیروزی بایدن در انتخابات می‌تواند به ضرر ایالات متحده تمام شود. ترامپ با این ادعا که ایالات متحده هنوز درباره توافق حق و حقوقی دارد، این احتمال را برای دیپلمات‌های خلاق فراهم آورده تا حقوق در نتیجه مسئولیت‌هایی برای آمریکا تحت قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و دیگر مفاد توافق نامه تعریف کنند. این مسئله به هر گونه تلاش بایدن برای بازگشت کامل به توافق هسته‌ای مشروعیت می‌دهد.

منطق بهتر این است که آمریکا یـا در توافق هست ی نیست. این استدلال ساده، دقیق و مهم‌تر، بازتاب واقعیت است. این استدلال که ما برای برخی اهداف «شریک» هستیم و برای برخی دیگر خیر، باید برای سیاست‌گذاران ایالات متحده نگران‌کننده باشد؛ احتمالا دیگر کشورها در زمان فاصله‌گرفتن ایالات متحده از سایر توافقات‌های بین‌المللی‌ای که دیگر به نفع آمریکا نیستند، از این رویکرد استفاده خواهند کرد. وقتی از توافقی خارج می‌شویم باید خارج از آن بمانیم، نقطه. با این‌حال، این نوع استراتژی پرزادی بلندمدت با رویکرد سیاست خارجی ترامپ بیگانه است. اقدامات متقابل علیه ایالات متحده افزایش خواهند یافت. برخی از حامیان پرچام علاوه بر نادیده‌گرفتن موضع‌گیری ایالات متحده، می‌گویند آمریکا پیش‌شرط‌های مندرج در بندهای حل‌وفصل پیمان را نیز رعایت نکرده است. این شرایط فرایندی پیچیده و بالقوه طولانی را برای حل اختلافات مربوط به انطباق دقیق طرفین توافق شامل می‌شود تا از برخورد شورای امنیت که می‌تواند به فروپاشی کل توافق بینجامد، جلوگیری کنند. گروه ترامپ با اتکا به اقدامات بریتانیا، فرانسه و آلمان در ماه ژانویه در آغاز روند حل اختلاف که همچنان ناتمام باقی مانده، این رویه‌ها را نادیده گرفتند. این مسئله خود نگرانی ایالات متحده درباره روند توافق هسته‌ای پیش از ارجاع مسئله به شورای امنیت را منعکس می‌کند. در حقیقت، اگر آمریکا این روند را پیش می‌برد، خود یک نمونه دیگر از «مشارکت» ایالات متحده در توافقی می‌شد که از آن خارج شده است. در حقیقت، ورود به روند حل اختلاف می‌تواند تا مدتی پس از انتخابات ماه نوامبر یا حتی مراسم تحلیف رئیس‌جمهوری در سال ۲۰۲۱ طول بکشد. درحال حاضر لفاظی‌های ایالات متحده درباره پرچام سردرگمی و آشفتگی ایجاد کرده و این فرصت را برای حامیان پرچام فراهم آورده تا موانع دیگری برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بیابند. اینکه چرا ترامپ باری‌ای در این سطح خطرناک به بی‌نتیجه آغاز کند، معلوم نیست. حتی اگر تحریم‌های تعلیق‌شده سازمان ملل متحد دوباره احیا شود، باز هم احتمالا فشار بیشتر از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا که از سال ۲۰۱۸ اعمال شده‌اند، به ایران تحمیل نخواهند کرد. به علاوه، پاسخ واقعی به جاذب‌طلبی‌های هسته‌ای ایران همانی است که توسط عناصر پنهانی علیه برنامه‌های هسته‌ای و موشک بالستیک ایران در جریان است. اقدامات دولت تحریم‌های در سازمان ملل این روند نمایش‌جانی احتمالا با اهداف سیاست داخلی است. نقش دیپلماسی همچنان در تلاش‌های مداوم برای ترغیب بریتانیا، فرانسه و آلمان در راستای نابودکردن پرچام است. گزینه جایگزین این است که رئیس‌جمهوری جو بایدن پرچام را با شکر ویژه از دونالد ترامپ احیا کند.

ادامه از صفحه ۱۲

حال، آمریکا مدعی است در این مقطع می‌تواند درباره اینکه قطع‌نامه «آیین‌نامه‌ای» یا قطع‌نامه «ماهوی» یا اساسی Substantive است، اعتراض کند و با اتکا به تاریخچه و رویه شورای امنیت استدلال بیاورد که هرگاه در این موارد تردید وجود داشته باشد، قطع‌نامه «ماهوی» تلقی شده و در نتیجه قابل «وتو» خواهد بود. در این مقطع، با این استدلال که قطع‌نامه اعتراضی قابل وتو است، آن را «وتو» کند تا شکایت‌نامه علیه ایران به قوت خود باقی بماند. در این مرحله، وقتی شکایات‌نامه در دستور کار قرار گرفت، برنامه این است که خود آمریکا با یک دولت ثالث یا ریاست‌شورا تحت فشار آمریکا در مدت ۱۰ روز یک قطع‌نامه برای «تداوم توقف تحریم‌های شورای امنیت» تسلیم‌شورا کند و خود آن قطع‌نامه را وتو کند تا توقف تحریم‌ها متوقف و قطع‌نامه‌های پیش از پرچام مجددا احیا شود!

اما همان‌طور که ذکر شد، اینکه آیا اصولا آمریکا بتواند این موضوع را وارد دستور کار یا Agenda جلسات شورای امنیت کند یا خیر، خود محل تردید و اختلاف است. موضع اخیر ریاست‌شورای امنیت هم نشان داد چنین کاری برای آمریکا به‌آسانی میسر نخواهد بود.

آیا این فرایند با ابراد حقوقی هم همراه است یا سوا-استفاده‌ای از ابراد موجود است که دست‌کم از لحاظ ساختاری مشکلی ندارد؟ آیا دیگر اعضای سازمان ملل می‌توانند در میانه این فرایند مانع ایالات متحده شوند؟

معتمد آمریکا هیچ راه حقوقی مشروعی برای پیشبرد برنامه خود ندارد. در نتیجه، پس از شکست یـا ایجاد «انسداد آیین‌نامه‌ای» در شورای امنیت به صورت یک‌جانبه اعلام خواهد کرد که از نظر واشنگتن قطع‌نامه‌های تحریمی قبلی علیه ایران مجددا برقرار و لازم‌الاجرا شده‌اند.» آن‌گاه دو قطب ایجاد خواهد شد؛ از یک طرف، اکثریت قاطع دولت‌های جهان از جمله همه اعضای باقی‌مانده در پرچام که با این ادعای آمریکا مخالف خواهند کرد و قطع‌نامه‌های تحریمی گذشته را الزام‌آور نخواهند دانست و در مقابل، دولت‌ها ورژیم‌هایی که پندرای موضع آمریکا خواهند بود. گروه دوم احتمالا متشکل از آمریکا، عربستان سعودی، اسرائیل و احیانا چند جزیره «سیاهی لشکر» کوچک مانند میکرونزی، پالائو، جزایر مارشال و دومینیک خواهد بود. واکنش سفیر آمریکا به موضع اصولی ریاست شورای امنیت یعنی سفیر اندونزی نیز نشان داد احتمالا آمریکا همین مسیر را طی خواهد کرد. سفیر آمریکا در پکناینه‌ای که صادر کرد، ضمن انتقاد شدید از اعضای شورای امنیت اعلام کرد آمریکا با «تعداد اندکی همراه» برنامه خود را پیش خواهد برد؛ این یعنی به صورت یک‌جانبه و عملا بدون اجماع‌سازی و خارج از چارچوب و توافق شورای امنیت اعلام موضع می‌کند و آن‌گاه از چند کشور برای تشکیل یک نوعی ائتلاف برای اجرایی‌کردن قطع‌نامه‌ها یارگیری خواهد کرد.

درهرحال حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که دولت آمریکا بتواند با «وتوی منصفانه» و فشار به رئیس دوره‌ای بعدی شورای امنیت و این قبیل حیل‌ه‌های آیین‌نامه‌ای برنامه خود را پیش ببرد، در نهایت این دولت‌ها هستند که تصمیم خواهند گرفت قطع‌نامه‌هایی را که از این راه علیه ایران «احیا» شده‌اند، لازم‌الاجرا بدارند یا خیر! معتمد در نهایت حتی با فرض بعید موفقیت آمریکا در پیشبرد برنامه خود در چارچوب شورای امنیت، اقلب دولت‌ها چنین موضعی نخواهند داشت و اکثریت آنها از تصویب قطع‌نامه‌های تحریمی گذشته در نظام‌های حقوق داخلی خود سر باز خواهند زد؛ یعنی احتمالا هیچ دولتی حاضر نخواهد شد از طریق دستور اجرای قوه مجریه خود یا از طریق تصویب مصوبه قوه مقننه‌اش قطع‌نامه‌ها مدنظر آمریکا را علیه ایران مجددا به اجرا بگذارد.

● **همان‌طور که شما بهتر از من می‌دانید، در صحنه سیاست بین‌الملل، قانون به آن محکمی که درون مرزهای کشورها قیود دارد یا دست‌کم تصور می‌رود که دارد، برش ندارد و عملا فرایندها در ترکیبی از حقوق بین‌الملل و قدرت سیاسی پیش می‌روند. ایالات متحده در خروج از پرچام و بازگرداندن تحریم‌ها هم خلاف قانون عمل کرد؛ اما کرد. الان شما فکر می‌کنید ممکن است با وجود همه این موانع و مخالفت‌ها آمریکا باز هم کار خود را پیش ببرد؟**

درست است که حقوق بین‌الملل در صحنه جهانی می‌برد، خود یک نمونه دیگر از «مشارکت» ایالات متحده در توافقی می‌شد که از آن خارج شده است. در حقیقت، ورود به روند حل اختلاف می‌تواند تا مدتی پس از انتخابات ماه نوامبر یا حتی مراسم تحلیف رئیس‌جمهوری در سال ۲۰۲۱ طول بکشد. درحال حاضر لفاظی‌های ایالات متحده درباره پرچام سردرگمی و آشفتگی ایجاد کرده و این فرصت را برای حامیان پرچام فراهم آورده تا موانع دیگری برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بیابند. اینکه چرا ترامپ باری‌ای در این سطح خطرناک به بی‌نتیجه آغاز کند، معلوم نیست. حتی اگر تحریم‌های تعلیق‌شده سازمان ملل متحد دوباره احیا شود، باز هم احتمالا فشار بیشتر از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا که از سال ۲۰۱۸ اعمال شده‌اند، به ایران تحمیل نخواهند کرد. به علاوه، پاسخ واقعی به جاذب‌طلبی‌های هسته‌ای ایران همانی است که توسط عناصر پنهانی علیه برنامه‌های هسته‌ای و موشک بالستیک ایران در جریان است. اقدامات دولت تحریم‌های در سازمان ملل این روند نمایش‌جانی احتمالا با اهداف سیاست داخلی است. نقش دیپلماسی همچنان در تلاش‌های مداوم برای ترغیب بریتانیا، فرانسه و آلمان در راستای نابودکردن پرچام است. گزینه جایگزین این است که رئیس‌جمهوری جو بایدن پرچام را با شکر ویژه از دونالد ترامپ احیا کند.

دیپلماسی

انسداد ماشه‌ای



در ایران نیز عهدشکنی آمریکا در پرچام از یک سو و ناکارآمدی اروپایی‌ها در جبران مافات از سوی دیگر این تصور را بیش از دیگران تقویت کرده که مناسبات بین‌المللی عمده‌تا خارج از چارچوب‌های حقوقی شکل می‌گیرد! اما معتمد نباید به این «نتیجه‌گیری» بیش از اندازه بها داد.

توجه کنید که آمریکا، عربستان، اسرائیل و سرمایه‌گذاران ضدایرانی در نیویورک و واشنگتن در سال‌های گذشته میلیاردها دلار به ایجاد شبکه وسیعی از بنگاه‌های روابط عمومی، مؤسسات تخصصی در امور مالی و بانکی، بنگاه‌های حقوقی، لابی‌های توانمند در امر قانون‌گذاری و حتی سازمان‌های امنیتی معطوف کرده‌اند تا در کنار وزارت امور خارجه آمریکا و وزارت دارایی و دیگر نهادهای ایالات متحده بتوانند از تمام ظرفیت‌های موجود در صحنه بین‌المللی علیه امنیت و سرمایه‌ایران استفاده کنند؛ اما باز عملکرد دستگاه دیپلماسی ایران که حقوق بین‌الملل و بهره‌برداری از سازوکارهای نرم بین‌المللی را در اولویت قرار داده است، به گونه‌ای موثر بود که نه‌تنها در سه سال گذشته تمام تلاش‌های این شبکه وسیع در به‌کارگیری سازوکارهای بین‌المللی علیه ایران ازجمله درباره فعالیت‌های موشکی ناکام و عقیم ماند، بلکه امروز وزیر امور خارجه آمریکا را به این اعتراف واداشته که «درباره عملکرد متحدان خود در قبال ایران به‌شدت ناامید شده‌ایم؛ این دستاورد کمی نیست.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، این است که در قضیه پرچام پس از خروج آمریکا، اروپایی‌ها تا حدود زیادی در جبران خسارات و اجرای تعهدات‌شان ناکام ماندند؛ چون در عمل بنگاه‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های خصوصی در اروپا چندان تابع اوامر و دستورات و توصیه‌های دولت‌های خود نیستند و دولت‌ها نیز نمی‌توانستند بدون همراهی بخش خصوصی تعهدات‌شان را در قبال این عملیاتی خطرناک و امروز جدال در شورای امنیت صرفا یک جدال «میان‌دولتی» است و بخش خصوصی در آن هیچ نقشی ندارد.

در نتیجه، دولت‌ها هیچ توجیه و بهانه‌ای برای تسهیل اقدامات یا هموارسازی راه آمریکا یا عدم استنادی در برابر قانون‌شکنی آن را ندارند. ضمن اینکه، همان‌طور که ذکر شد، امروز اروپا و سایر دولت‌های جهان دست‌کم به سه دلیل در مقابل آمریکا مقاومت بیشتری از خود نشان خواهند داد: اول اینکه موضع ایران یک موضع محکم، اصولی و ریشه‌دوانده در حقوق بین‌الملل است که مخالفت با آن یا حتی عدم همراهی با آن به‌منابه یک بدعت‌گذاری خطرناک در نظام بین‌المللی خواهد بود. چپسب این بدعت‌گذاری سازمان ملل را به سرنوشت سلف خود یعنی «جامعه ملل» در دهه ۱۹۳۰ میلادی دچار کند. دوم اینکه دولت ترامپ در اتخاذ مواضع نامتعارف و غیرقانونی دیگر بیش‌ازحد افراط می‌کند؛ به‌نحوی‌که همراهی با آن مستعد تحمل هزینه‌های فراوان و جبران‌ناپذیر حیثیتی است و سوم اینکه اروپا و سایر کشورها شکست ترامپ در انتخابات پیش‌رو را دور از ذهن نمی‌دانند و نمی‌خواهند تن به اقداماتی بدهند که راه را برای دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی در دولت بعدی مسدود کرده باشند.

● **تأکید می‌کنم مخالفان رویکرد آمریکا دارند، این است که آمریکا از توافق خارج شده، پس نمی‌تواند از آن استفاده کند. برخی از این استدلال این‌طور نتیجه گرفته‌اند که پس ایران شانس آورده ترامپ به این شکل عمل کرد؛ وگرنه اگر یک رئیس‌جمهور باهوش‌تر سر کار بود، خارج نمی‌شد و به همین شکل یک‌جانبه اقدام می‌کرد و با همین فرایند تحریم‌ها را در شورای امنیت برمی‌گرداند و این را ابرارد بزرگی در پرچام می‌بینند. چنین انتقادی به پرچام وارد است یا در این قرائت‌اشتباهی هست؟**

اتفاقا آنها باید از کیفیت موضع‌گیری شورای امنیت قضایه شکست آمریکا، شورای امنیت نشان داد که اولاً واژه «حسن‌نیت»، که از ارکان اصلی توافقات بین‌المللی است و در پرچام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ بارها با تلویح و تصریح ذکر شده، فقط یک «تعارف» تهی از بار حقوقی نیست بلکه «حسن‌نیت»، یک پیش‌شرط حقوقی است که باید دولت‌ها هم در تفسیر قطع‌نامه‌های شورای امنیت و هم در توسل به سازوکارها و آیین‌نامه آن رعایت کنند. دوم، شورای امنیت نشان داد که در موضعی با اهمیت توافق هسته‌ای و ثبات و امنیت منطقه به‌راحتی به یک‌جانبه‌گرایی آمریکا آن‌هم به یک‌جانبه‌گرایی از نوع «غیرقانونی»‌اش تن نمی‌دهد و رسوم اینکه نشان داد سازوکار حل اختلاف مندرج در پرچام، پیچیده‌تر از آن است که منتقدان دولت در ایران و دستگاه تبلیغاتی آمریکا سال‌ها برای افکار عمومی کشیده‌اند!

ضمن اینکه معتمد بایدن به این نکته نیز توجه داشته باشد که اگر فرض را بر این بگذاریم که دولت آمریکا بتواند با «وتوی منصفانه» و فشار به رئیس دوره‌ای بعدی شورای امنیت و این قبیل حیل‌ه‌های آیین‌نامه‌ای برنامه خود را پیش ببرد، در نهایت این دولت‌ها هستند که تصمیم خواهند گرفت قطع‌نامه‌هایی را که از این راه علیه ایران «احیا» شده‌اند، لازم‌الاجرا بدارند یا خیر! معتمد در نهایت حتی با فرض بعید موفقیت آمریکا در پیشبرد برنامه خود در چارچوب شورای امنیت، اقلب دولت‌ها چنین موضعی نخواهند داشت و اکثریت آنها از تصویب قطع‌نامه‌های تحریمی گذشته در نظام‌های حقوق داخلی خود سر باز خواهند زد؛ یعنی احتمالا هیچ دولتی حاضر نخواهد شد از طریق دستور اجرای قوه مجریه خود یا از طریق تصویب مصوبه قوه مقننه‌اش قطع‌نامه‌ها مدنظر آمریکا را علیه ایران مجددا به اجرا بگذارد.

ازجمله انگلیس، عملا تهمت «نداشتن شجاعت»، «فقدان قضاوت اخلاقی» و «حمایت از تروریسم» می‌زند! این پسرقت طبیعتا برای دموکرات‌ها پذیرفتنی نیست.

● **الان که بولتون رفته و برابان هوک هم پشت‌سر او راهی است، فرمان این سیاست دولت آمریکا در قبال ایران در دست کیست؟ آیا آبرامز به همین زودی فرمان کار را را به دست گرفته یا شخص پمپئو بگیر کار است یا دیگری یا اصلا مغز متفکری پشت این ایده نیست؟**

پاسخ به این پرسش تا دو هفته پیش آسان‌تر بود؛ اما امروز دستگاه سیاست خارجه آمریکا متحمل چند شکست سنگین و بی‌سابقه در سطح شورای امنیت شده است و به دشواری می‌توان تأثیر این شکست را بر مناسبات داخلی وزارت خارجه آمریکا و شورای امنیت ملی آن ارزیابی کرد. امروز، موقعیت مایک پمپئو به‌شدت تضعیف شده و سراسیمه در جست‌وجوی حامی به بیت‌المقدس و تل‌آویو سفر کرده است؛ اگر در پیشبرد طرح فعلی در شورای امنیت همین‌طور ناکام بماند، چه‌بسا ترامپ بی‌پروا او را نیز مانند دیگران قربانی کند تا بار این شکست را در مناظرات انتخاباتی از دوش خود بردارد.

● **برخی می‌گویند این ماجرا به نزدیکی انتخابات هم مربوط است. آیا این یعنی دولت ترامپ همین وجهه مقابل با ایران و اختلاف با اروپا و دیگران بر سر ایران را دنبال می‌کند یا قبل از انتخابات قصد دارد به هر ترتیب شده ضربه‌ای بزند یا کاری کند؟ اساسا نزدیکی انتخابات آمریکا تا چه حد روی روند تنش‌ها بین ایران و آمریکا تأثیر دارد؟**

همان‌طور که می‌دانید، معمولا نزدیک به انتخابات آمریکا پدیده‌ای به اسم «سوپرپرایز اکبر» رخ می‌دهد که غالبا کمک ترارزو را ناگهان به نفع یک جناح سنگین می‌کند. از آنجا که سنگین‌ترین شکست آمریکا در عرصه سیاست خارجه دستاورد آن در قبال ایران بوده است، امسال بعید نیست موضوع «سوپرپرایز اکبر» مرتبط با ایران باشد. این احتمال وجود دارد که آمریکا پس از شکست حقوقی و ایجاد انسداد در شورای امنیت به‌صورت یک‌جانبه اعلام کند که قطع‌نامه‌های گذشته علیه ایران احیا و الزام‌آور شده‌اند و اقدام به تشکیل یک ائتلاف کند تا آن قطع‌نامه‌ها را به اجرا بگذارد. در چنین فضایی، بعید نیست به همین بهانه تنش‌هایی نیز در خلیج فارس ایجاد کند تا احساسات ناسیونالیستی افکار عمومی را برانگیزد و از آن بهره‌برداری انتخاباتی کند.

● **کم تب بایدن خود او و معاون اولش از بازگشت فوری به پرچام در صورت پیروزی در انتخابات گفته‌اند؛ اما برخی می‌گویند چنین چیزی شدنی نیست و دموکرات‌ها هم ناچارند مانند ترامپ به دنبال مذاکره دوباره باشند یا این اختلاف را ادامه دهند. شما آیدین اوین توافقی را در صورت پیروزی بایدن چگونه می‌بینید؟ بازگشت بایدن به پرچام قطعاً کار مثبتی خواهد بود و فضا را برای گفت‌وگوهای محدود میان ایران و آمریکا حتی در چارچوب میز «کمیسئون مشترک» باز خواهد کرد. در این راستا، این موضوع مورد مذاکره هم می‌تواند مطرح شود. این اتفاق، روند کنونی و لابی‌های عربستان و اسرائیل در واشنگتن تلاش خواهند کرد دولت ترامپ را به اقدامی وادار کنند که عملا راه‌گروته تعامل را مسدود کند. از الان لابی‌هایی مانند اف‌دی‌دی (FDD) مقاله پشت مقاله چاپ می‌کنند تا در این راستا راهکار ارائه بدهند. بحث‌شان این است که باید چنان دیواری از تحریم و اقدامات قهریه و تله‌های حقوقی و سیاسی دور ایران بنا کنند که جانتشین ترامپ نتواند آن را به‌راحتی فروبریزد. به همین دلیل هم آنها عمدا موضوع قطع‌نامه ۲۲۳۱ «ماشه» را به «تحریم تسلیحاتی ایران» پیوند زدند که توجیه بازگشت به پرچام را از بایدن عملا سلب کند؛ یعنی چنان موضوع را امنیتی‌کنند که هزینه سیاسی بازگشت به پرچام برای بایدن غیرقابل تحمل شود.**

● **هوک گفته بود پرچامی نمی‌ماند که بایدن به آن برگردد. فکر می‌کنید تا ژانویه ۲۰۲۱ که پایان این دولت است، پرچامی برای بازگشت خواهد ماند؟**

هوک این را گفته است؛ اما پرچام برقرار است و این هوک بود که باقی نماند! جالب است برابان هوک در آخرین نشست کمیسئون

مشترک پرچام با حضور آمریکا به همتایان ایرانی خود در پایان جلسه گفته بود «ماه ژوئن می‌بینم‌تان» (See you in June) و نمی‌دانست قرار است رئیسش چند هفته بعد از پرچام خارج شود! در واقع، شخصا خیلی به پیش‌بینی‌های مقامات آمریکا بهانه نمی‌دهم. دولت ترامپ در امر سیاست خارجه آن‌چنان بی‌برنامه است که در عرض سه سال یک وزیر خارجه، سه مشاور امنیت ملی، یک وزیر دفاع، یک سفیر دائمی سازمان ملل و یک نماینده ویژه (در امور ایران) را قربانی کرده است و هنوز به کسری از اهداف اعلام‌شده خود نرسیده است. اما آنچه هوک گفته یک پیش‌بینی نیست؛ یک هدف است که لابی‌ها و تدره‌های واشنگتن به‌شدت دنبال می‌کنند.

ادامه از صفحه ۱۲

اجماع در رد ادعاهای برجامی آمریکا

عراقچی توضیح داد: «یک بار دیگر همه اعضای پرچام تاکید کردند که آمریکا را به‌عنوان کشور عضو پرچام و مشارکت‌کننده نمی‌شناسند و تلاش آن کشور در نیویورک از غیرقانونی می‌دانند و تلاش برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه را بلاثر دانستند و این پیام یکبارچه این نشست به جامعه بین‌الملل بود. البته جامعه بین‌الملل در سطح سازمان ملل نیز به این مسئله اشراف دارند.» به گزارش ایسنا، معاون ظریف تاکید کرد: «از نظر اعضا، پرچام دستاورد دیپلماسی است و باید حفظ شود و با هرگونه تضعیف آن موافق نیستند. آنها خواهان اجرای کامل پرچام هستند و ما هم طبیعی است این انتظار را داریم. البته در زمینه اقدامات کاهشی ایران و متقابلا اجرانشدن تعهدات اعضا در چارچوب پرچام اختلاف نظر است. اما تصمیم بر آن شد که درباره این موضوع بحث نشود و درباره اقدامات در شورای امنیت متمرکز شویم.»

عراقچی همچنین در گفت‌وگو با یورونیوز گفت در حاشیه نشست سه‌شنبه، «نشست با مدیران سیاسی سه کشور اروپایی نیز بعد از جلسه کمیسئون مشترک و به‌منظور بحث و بررسی در خصوص گام‌های آتی و راهکارهای حفظ و تداوم پرچام، به‌گونه‌ای که منافع کشورمان را تأمین کند، برگزار شد.»

نماینده ایران در حاشیه این نشست با رافائل گروسسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نیز دیدار کرد.

نماینده روسیه: آمریکا با اصرار بر موضعش چیزهای زیادی را از دست می‌دهد

معاون وزیر امور خارجه روسیه نیز در جمع خبرنگاران گفت: «شاهد روند مهم اتحاد اعضای پرچام علیه این اقدام آمریکا هستیم. ما مطمئن هستیم که نتایج نشست کمیسئون پرچام به همکارانمان در نیویورک کمک خواهد کرد تا به فعالیت‌های در مسیر درست ادامه دهند.» به گزارش ایسنا، به نقل از تاس، سرگئی ریابکوف گفت: «ما اطمینان داریم که اگر جامعه جهانی و اعضای شورای امنیت به مواضع اصولی دراین‌باره تکیه کنند، وضع به‌گونه‌ای خواهد شد که آمریکا با این دیدگاه متناقض در شورای امنیت سازمان ملل تنها خواهد ماند.» حداقل چنین پیشرفت نادری محتمل به نظر می‌رسد؛ بنابراین آمریکا اگر در موضع بی‌اساسش تجدیدنظر نکند و چیزهای واضح را مورد ملاحظه قرار ندهد، چیزهای زیادی را از دست می‌دهد.»

نماینده روسیه افزود: «ما مجبوریم با دولتی در آمریکا روبروکار داشته باشیم که علل سلیم را نفی می‌کند.» این دیپلمات روسی همچنین اظهار کرد که در نشست وین درباره طرح ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، برای تشکیل نشست امنیت خلیج فارس گفت‌وگو شده است.

نماینده چین: اقدام آمریکا تلاشی برای خرابکاری است

فو کونگ، نماینده چین در جلسه اخیر کمیسئون مشترک پرچام نیز پس از پایان جلسه به خبرنگاران گفت تمامی کشورهای عضو موافق بودند که آمریکا دیگر «موضع یا مبنای حقوقی برای فعال‌کردن مکانیسم بازگشت» را نداشته و از دیدگاه چین این اقدام آمریکا تلاشی برای «خرابکاری یا حتی کشتن پرچام» است. جانگ جونگ، سفیر و نماینده دائم چین در سازمان ملل نیز پیام نشست وین را واضح و روشن اعلام کرد و گفت این پیام هسته‌ای و حمایت‌جاءه جهانی از توافق هسته‌ای بر عدم اسکان آمریکا برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه است. او در توییت‌ر نوشت نشست کمیسئون مشترک پرچام با توجه به طرح پرچام در شورای امنیت، به‌موقع برگزار شد.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای حسین لطفی و کبیل آقای مجید صلح چی طبق وکالت‌نامه شماره ۶۸۴۸۱ مورخ ۹۹/۴/۱۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۲۷ تهران با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۶۴۰۱ مورخ ۹۸/۱/۲۳ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۲۲ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۲۵۰۲۷۲۰۲ مورخ ۹۹/۱۰/۲۲ مدعنی فقدان سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۱۲/۷۰ متر مربع قطعه چهارم تفکیکی به پلاک ۲۲ فرعی از ۲۶۹۲ و ۲۶۹۳ اصلی مغرور ومجزی شده از پلاک ۵الی ۱۰ فرعی از ۲۶۹۲ اصلی واقع در بخش ۲ تهران ذیل ثبت ۸۵۶۲۷ صفحه ۴۹ دفتر ۶۵۹ به شماره چاپی ۴۵۹۸۸۶ به نام آقای حسن ایرانفر ثبت و صادر و تسلیم گردیده و سپس بموجب سند قطعی شماره ۶۹۴۲۴ مورخ ۹۳/۶/۱۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۴ تهران به آقای مجید صلح چی منتقل شده است . بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار همین روزنامه آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجوداصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود . در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

م الف ۱۳۷۹۶ رئیس اداره اسناد و املاک نارمک